

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۹۳ - ۲۷۵

تقویت مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر حقوق موضوعه و الزامات اخلاقی

امیر وطنی^۱

حسین اقایبی جنت مکان^۲

محمد امین درویش^۳

چکیده

در فرایند رسیدگی کیفری، مرحله تحقیقات مقدماتی با توجه به اوصاف و ویژگی های این مرحله، از اهمیت ویژه ای در روند دادرسی های بعدی، بالاخص حقوق اتهامی متهم، و تأثیر گذاری قانونی وکیل در تضمین و صیانت از این حقوق دارد. حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی از دو جهت الزامات قانونی و الزامات اخلاقی، موجبات رعایت حقوق افراد و تساوی امکانات دفاعی و حق ترافعی آنها را فراهم می نماید. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، از نوآوری ها ی موثری در مورد حق برخورداری متهم از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی برخوردار بوده، و حضور وکیل در مرحله تحت نظر، حضور بدون محدودیت، حق مطالعه و دسترسی به پرونده و الزام به تعیین وکیل تسخیری، از منظر حقوق موضوعه دارای ضمانت اجرا، و اخذ آخرین دفاع از وکیل، تذکر وکیل به بازپرس، حفظ کرامت و حیثیت افراد و تفکیک مقام تحقیق از تعقیب به جهت سهولت دخالت وکیل از منظر الزامات اخلاقی، از جمله بارزترین نشانه های تقویت مداخله وکیل محسوب می شود. در این نوشتار، در مورد حق برخورداری متهم از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی با تاکید بر نوآوری های این قانون پرداخته، ضوابط و احکام خاص آن تحلیل و تشریح می گردد.

واژگان کلیدی

الزامات اخلاقی، تحت نظر، تحقیقات مقدماتی، حقوق متهم، وکیل مدافع.

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: vatani@khu.ac.ir

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.

Email: housein_ghaei@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا، دانشگاه خوارزمی، پردیس دانشگاهی، تهران، ایران.

Email: amindarvish@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۵/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۱

طرح مسأله

علی‌رغم اینکه برقراری امنیت و آرامش در جامعه، از تعقیب، تحقیق و کشف جرم و مجازات بزهکاران، تا اعمال تدابیر تأمینی و تربیتی، همواره بر عهده مقام رسمی به نام دادستان و بازپرس نهاده شده است، با این حال، در دنیای کنونی، واکنش جامعه به بزه و بزهکار، خودسرانه و غیر سنجیده نمی‌باشد. اعمال مجازات بر بزهکار می‌بایست از طریق اقامه دعوای کیفری علیه او و رعایت قواعد و ضوابط ویژه‌ای با هدف رعایت اصل برائت متهم صورت پذیرد. (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۰)

الزام به اعمال قواعد و ضوابط قانونی در دادرسی کیفری، و هم‌چنین رعایت اصل برائت متهم، ریشه در خاستگاه‌های اخلاقی و انسانی دارد. توجه به کرامت و حیثیت افراد، اعطا فرصت کافی در دفاع از خود با دخالت وکیل مدافع، قبل از این که تحت قواعد قانونی تدوین شود، ناشی از توجه به حقوق بشر و پای بندی به ملازمات اخلاقی بوده است. قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ جهت تحقق عدالت کیفری، راهکارهایی همچون: «دادرسی ترافیکی»، «حق اطلاع سریع متهم از موضوع و دلایل اتهام»، «توسعه حقوق شهروندی و حفظ حقوق متهم در همه مراحل رسیدگی» و «حق دسترسی به وکیل» را در فرآیند «دادرسی کیفری» پیش‌بینی نموده است، در این راستا، اعلام اصول کلی در قانون آیین دادرسی کیفری (مواد ۷ تا ۷۲) و تکیه بر قواعد عدالت دادرسی کیفری، بزرگترین نوآوریها در زمینه‌ی حقوق اصحاب دعوی مخصوصاً در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی است که این اصول را در غالب مواد قانونی برجسته نموده است. با بررسی و مذاقه در مواد مذکور، مشخص می‌گردد که این اصول و چشم‌انداز رسیدن به عدالت کیفری در زمینه‌ی حقوق دفاعی افراد مخصوصاً حق بهره‌مندی از خدمات وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری تا چه میزان رعایت شده است. از آثار حق دفاع، الزام به دادن فرصت کافی و تسهیلات لازم، جهت تدارک وسایل دفاعی در تمامی مراحل فرآیند دادرسی است (کرامت و حبیب زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۲). ارتقا جایگاه وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و تسهیل و توسعه دسترسی متهم به وی، صرف نظر از ارتقا الزامات اخلاقی، ناشی از گرایش قانون‌گذار ایرانی از نظام نفتی‌شی به نظام ترافیکی می‌باشد. قانون جدید با الگوپذیری از قانون فرانسه، و توجه به نظام مدرن دادرسی کیفری ترافیکی، امکان حضور وکیل در مرحله کشف جرم و تحت نظر قرار گرفتن متهم را فراهم نموده است. این قانون، در اعمال مقررات ناظر به مرحله تحقیقات مقدماتی که احتمال نقض حقوق دفاعی متهم در آن بیشتر است، در بردارنده تحولات مهمی بوده، و با فراهم کردن امکان برابر به طرف‌های دعوای کیفری، در صدد فراهم کردن تحقیقات مقدماتی مبتنی بر اصول و شاخصه‌های نظام ترافیکی بوده است. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۱۵) مداخله وکیل در قانون جدید، در مقایسه با قانون قدیم، هر چند از منظر الزامات و ضوابط قانونی

واجد ضمانت اجرا، تقویت شده است، اما این برجستگی، در لحاظ و اعمال اصول و قواعد اخلاقی هم به چشم می خورد. هر چند که ماهیت الزامات اخلاقی، علی القاعده فاقد ضمانت اجرای قانونی می باشد. و به طور کلی نمی توان منکر تأثیر اخلاق در تدوین و سیاست گذاری قواعد کیفری پنداشت. از دقت و مطالعه مباحث حقوقی، این نکته به ذهن متبادر می شود که بیشتر مناقشات ارائه شده در خصوص بر هم کنش اخلاق و حقوق کیفری، حول مباحث مربوط به حقوق کیفری ماهوی متمرکز بوده است. (غلامی و موذن زادگان، ۱۳۹۶: ۳۴) با این وصف، در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ در بسیاری از موارد مقامات قضایی و ضابطان دادگستری، ملزم به رعایت الزامات اخلاقی در تصمیمات و اقدامات خود و هم چنین رفتار با دفاع و کیل هستند.

در این مقاله سعی بر این است که ضمن توضیح اهمیت نقش و جایگاه و کیل در فرایند دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی، تبیین مفاهیم، چارچوب و مصادیق مرحله تحقیقات مقدماتی و مرحله تحت نظر، الزامات و ضوابط قانونی حاکم بر حق دفاع متهم در مرحله تحقیقات پلیسی (تحت نظر) و مرحله تحقیقات نزد مقام قضایی (بازپرس) و هم چنین الزامات اخلاقی به منظور کشف مراد قانونگذار در گرایش از نظام تفتیشی به نظام ترفعی و ارتقا جایگاه و کیل مدافع، از مواد قانونی استخراج، تا در نهایت نیل به اهداف این پژوهش در سنجش و ارزیابی جایگاه و کیل فراهم گردد.

۱. مفاهیم و مصادیق تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی، چهارچوب و محدوده آن، با توجه به نوع نظام کیفری ممکن است متفاوت و در معانی مختلفی به کار رود. در معنای وسیع، تحقیقات مقدماتی به کلیه اقدامات قبل از محاکمه اطلاق می شود. در این معنا، تمامی اقداماتی که از لحظه وقوع جرم تا ارسال پرونده به دادگاه انجام می شود و به عبارتی جست و جو و جمع آوری عناصر مؤثری که به منظور امکان اتخاذ تصمیم برای قاضی صادر کننده رأی تهیه می شود مشمول همین مفهوم است. (باقر پور، ۱۳۸۴: ۱۰۱) در معنایی مضیق تر، این مرحله صرفاً به مجموعه اقدامات ضابطین دادگستری به منظور کشف جرم، ممانعت از امحای آثار جرم، جلوگیری از فرار متهم و یا هر گونه اقدام تحقیقی دیگر محدود می گردد. در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ با تفکیک وظایف، اختیارات و اقدامات ضابطین دادگستری (مرحله کشف جرم) از اقدامات بازپرس (مرحله تحقیق) ممکن است چنین استنباط گردد که قانون گذار، اقدامات مربوط به کشف جرم را جزو مرحله تحقیقات مقدماتی لحاظ نکرده است. موید این معنا، ماده ۹۰ این قانون است که چنین مقرر داشته است: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضائی، برای حفظ آثار و علانم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می شود.» مشابه اقدام و اختیار بازپرس در این ماده، عیناً در ماده ۲۸

قانون، برای ضابطین دادگستری در نظر گرفته شده است. اما یادآوری این ضابطه قانونی ضروری است که کلیه اختیارات و اقدامات ضابطین در حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم، مطابق ماده ۴۴ همان قانون، محدود به وقوع جرائم مشهود بوده، و در جرائم غیر مشهود چنین اختیاری از آنان سلب شده است.

بنابر این، چون کلیه اقدامات مربوط به حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم و یا شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شده متهم، در جرائم غیر مشهود به عهده بازپرس، و در جرائم مشهود، تحت نظارت یا دستور مقام قضایی اعم از دادستان یا بازپرس قرار دارد، نمی توان مرحله کشف جرم را از مرحله تحقیقات مقدماتی جدا و تفکیک نموده، تحقیقات مقدماتی باید در مفهوم وسیع آن لحاظ، و به کلیه اقدامات و تحقیقات مقدم بر رسیدگی نهایی دادگاه اعم از اینکه از سوی بازپرس، دادستان یا ضابط دادگستری به عمل آمده باشد اطلاق شود.

تحقیقات مقدماتی، با وقوع جرم آغاز، ولی ضابطه ای در مورد مدت و شیوه پایان آن در قانون وجود ندارد. به طور کلی در نظام های تفتیشی از جمله ایران، مدت تحقیقات مقدماتی به شیوه ای اغلب نامعقول بسیار طولانی است و پایان بخشیدن به آن به میل و اراده بازپرس بستگی دارد. (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۱) در مدل های دادرسی کیفری بدون بازپرس، از جمله ایالات متحده آمریکا، انگلستان، ایتالیا و غیره که دادستان هر دو اقدام تعقیب و تحقیق را به عهده دارد، پس از پایان مرحله تحقیقات مقدماتی، وجود یک دلیل معقول برای صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه کافی است. تأکید عمده در چنین مدل هایی بر مرحله رسیدگی در دادگاه است، نه مرحله تحقیقات مقدماتی. (یوسفی، ۱۳۹۰: ۲۲۶) در مدل های دارای بازپرس، چون هر دو وظیفه جمع آوری ادله و تحقیق و همچنین اتخاذ تصمیم قضایی بر عهده بازپرس است، معیار «دلیل معقول» در مدل های بدون بازپرس، به معیار «فراتر از هر شک معقول» تبدیل و نزدیک می شود. به عبارتی، بازپرس موقعی پایان تحقیقات را اعلام می نماید که به اقناع کامل وجدان در انتساب اتهام به متهم برسد. اقناعی که قاضی دادگاه هم می بایست به آن برسد. و این از جمله ضعف های این مدل است که رسیدگی علنی و ترافعی در دادگاه، در واقع امر، جز تکرار و یا بررسی دلایلی که قبلاً در طول تحقیقات مقدماتی تحصیل و تمهید شده اند، نیست و اقناع وجدانی قاضی، و بی طرفی او در برخورد و ارزیابی دلایلی که همیشه بی طرفانه تحصیل و ارائه نمی شوند، مخدوش می گردد. و این امر تحدیدی جدی برای دفاع متهم به حساب می آید. (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۷۵)

۲. مرحله تحت نظر، ضوابط و چارچوب

تحت نظر که از نظام فرانسه وارد ادبیات کیفری ما شده است، یک اقدام سالب آزادی است که به موجب آن یک صاحب منصب پلیس (ضابط دادگستری) دستور می دهد که شخصی

برای مدت کاملاً محدود و مشخص، تحت نظارت مقامات قضایی، و به اشکال مذکور در قانون، تحت نظر و در اختیار او قرار گیرد. (کوشکی و سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۱۹۵) تحت نظر به عبارتی مرحله ای از فرایند دادرسی کیفری است که مظنون به ارتکاب جرم، تحت شرایطی در بازداشت نیروهای پلیس قرار می‌گیرد. تحت نظر، اختیار و نه حقی است که به ضابطان دادگستری اجازه می‌دهد تا در شرایطی خاص، افراد مظنون به ارتکاب جرم را برای مدتی که امروزه در بسیاری از کشورها با لحاظ شدت مجازات جرم یا نوع جرم ارتكابی تعیین می‌شود (در کشور ما حداکثر ۲۴ ساعت) به منظور حصول نتایج مورد نظر قانون گذار در اماکن پلیس نگهداری کنند. (آشوری و سپهری، ۱۳۹۲: ۴)

مسئله ضرورت‌هایی همچون سرعت در جمع‌آوری دلایل جرم و ممانعت از نابودی و امحاء آنها، پیشگیری از تبانی متهم با شهود، شرکا یا معاونین به خصوص در مراحل اولیه رسیدگی، محدودیت در حقوق اعطایی به متهم تحت نظر را اقتضاء می‌کند (حیدری، ۱۳۹۴: ۲۷) چون در مرحله تحت نظر و مراقبت پلیسی، حقوق مظنون و یا متهم نسبت به مراحل دیگر فرایند کیفری، در معرض تهدید و تحدید بیشتری قرار دارد، مقررات مربوط به این مرحله با دگرگونی و تحولات مهمی همراه بوده است. تحولاتی همچون رعایت حقوق دفاعی متهم شامل حق برخورداری از وکیل به عنوان برجسته‌ترین حق دفاعی و سایر حقوق مانند مطالعه پرونده کیفری در این مرحله (کشف جرم) بیش از پیش مورد توجه قانون‌گذاران کشورها قرار گرفته است. در واقع تحت نظر که مدت‌ها به عنوان یک مرحله در فرایند کیفری پذیرفته نشده بود، اکنون با تعمیم حقوق متهم به این مرحله، جزء جدائی‌ناپذیر فرایند کیفری محسوب می‌شود. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۰۴) تحت نظر می‌تواند در جرائم مشهود رأساً توسط ضابط دادگستری صورت گرفته، و یا متعاقب صدور دستور جلب متهم توسط مقام قضایی، اقدام به تحت نظر گرفت.

برخی از حقوقدانان، مفهوم جلب را مترادف با دستگیری در نظر گرفته‌اند. (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۹۷) و برخی دیگر، مقدمه قرار گرفتن فرد در وضعیت تحت نظر (حداکثر تا ۲۴ ساعت) دستگیری وی در جریان یک جرم مشهود دانسته‌اند. (آشوری و سپهری، ۱۳۹۲: ۶) گرچه تحت نظر نیز همچون بازداشت موقت به سلب آزادی از متهم می‌انجامد، اما به معنای بازداشت آنها در بازداشتگاه نیست. بدین ترتیب منظور قانون‌گذار از تحت نظر، صرفاً نگهداری متهم در مقر نیروهای انتظامی یا دفاتر کلانتری‌ها یا قرارگاه‌های پلیس برای تحقیق و تکمیل تحقیقات است. (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۰۸)

۳. الزامات قانونی حاکم بر مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی

مداخله وکیل برای دفاع از حقوق اصحای دعوا نه تنها در راستای دفاع از حقوق فردی اصحاب دعوا تلقی می‌شود، بلکه گامی در راستای دفاع از منافع جامعه از طریق فرایند دادرسی

مبتنی بر نظم و انضباط است. (رستمی غازانی، ۱۳۹۲: ۶۵)

ماده ۵ ق.آ.د.ک ۹۲ به عنوان تبیین یکی از اصول اساسی دادرسی کیفری چنین مقرر نموده است: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود.»

حق برخورداری از وکیل در همان ابتدای مرحله تحت نظر به عنوان مهم ترین حق دفاعی متهم، گام مهمی در جهت تطبیق مقررات دادرسی کیفری ایران با میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و هماهنگ ساختن قوانین با الگوی جدید آیین دادرسی کیفری دارد. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۱۷)

۳ - ۱. مداخله وکیل در مرحله تحت نظر

حق استفاده از وکیل از نظر زمانی از اولین تماس شخص با پلیس شروع می شود و کل فرایند دادرسی منصفانه نیز مشمول این اصل تلقی می گردد. (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۶: ۲۱۰)

ق.آ.د.ک مصوب ۹۲ برای نخستین بار در ماده ۴۸ به حق مداخله وکیل در مرحله تحت نظر تصریح و مقرر می دارد: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.»

جهت گیری و هدف مقنن ایرانی در تصویب ق.آ.د.ک، گام مهمی در تطبیق مقررات دادرسی کیفری با میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده که به گسترش حقوق دفاعی به تمامی مراحل مختلف دادرسی کیفری منتهی شده است. از بارزترین این تحولات حضور وکیل در مرحله تحت نظر در دفاع از حقوق متهم است. این اقدام گام مهمی در جهت فاصله گرفتن تحقیقات مرحله پلیسی از نظام تفتیشی است. (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۶: ۲۱۴) مرحله تحت نظر (کشف جرم) در حقوق فرانسه از سال ۲۰۰۰ میلادی به این طرف مورد توجه قرار گرفته است. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۱۶)

حضور وکیل در مرحله تحت نظر با ملاحظه مفاد ماده ۴۸ از دو جهت قابل بررسی می باشد: زمان مداخله وکیل، کیفیت مداخله.

حضور وکیل بلافاصله با شروع تحت نظر قرار گرفتن متهم آغاز می شود. از عبارت «متهم می تواند تقاضای حضور وکیل نماید» ضرورت تکلیف ضابطان در فراهم نمودن این مقرر قانونی بدون درخواست متهم استنباط می گردد.

حق دسترسی متهم به وکیل در مرحله تحت نظر و بهره مندی وی از سایر حقوق دفاعی در مواد ۵ و ۶ ق.آ.د.ک ۹۲ بدین شرح تصریح و تضمین شده است: ماده ۵: «متهم باید

در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود.»

عبارت «در اسرع وقت» در ماده فوق الذکر نه تنها شامل کلیه مراحل از جمله مرحله تحت نظر است، بلکه بنحو آشکار مبین این ضابطه است که هر گونه اقدام تحقیقی و بازجویی از متهم می بایست موخر بر تفهیم این حق باشد. بنابر این ضابطه مکلف است ابتدا حق دسترسی متهم به وکیل را تفهیم، سپس اقدامات عملی و اجرایی حضور وکیل را فراهم نموده، بعد از آن به وظایف خود به عنوان ضابطه مبادرت نماید.

علی رغم اینکه متهم به استثنا موارد خاص، (از جمله تبصره ۲ ماده ۱۹۰) اختیار دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی را دارد، ولی بدیهی است که خطاب تکلیفی قانون گذار در ماده ۶، متوجه عوامل و مسئولین تحقیق از جمله قضات و ضابطان می باشد، و این افراد مکلفند رعایت این حقوق را تضمین نمایند. بی تردید مرحله کشف جرم (پلیس) با توجه به پیش بینی حقوق قابل توجه برای متهم، جزء جدایی ناپذیر فرایند کیفری محسوب شده و ضابطان دادگستری را مکلف به رعایت این حقوق می کند. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۰۷)

لازم به توضیح است که شروع مرحله تحت نظر در جرایم مشهود از اختیارات ضابطان دادگستری، ولی ادامه آن تا حداکثر ۲۴ ساعت از عهده آنان خارج است.

در یک استنباط ابتدایی از مفاد ماده ۴۸ چنین برداشت می شود که مداخله وکیل در این مرحله، به ملاقات ساده با متهم تحت نظر و ارائه ملاحظات کتبی جهت درج در پرونده محدود می گردد. برخی همین استنباط را از ماده به عمل آورده اند و چنین توضیح داده اند: «این حضور محدود به ملاقات با متهم و ذکر نکاتی کتبی (از جمله: جرم نبودن عمل، مشهود نبودن آن، عدم ضرورت دستگیری متهم، ایراد به عدم اعلام تحت نظر قرار دادن او به دادستان و خانواده متهم و ...) در پایان این ملاقات است، نه دفاع از متهم.» (خالقی، ۱۳۹۵: ۷۵)

این استنباط نمی تواند با قواعد و ضوابط حاکم بر فرایند تحقیقات مقدماتی و الزامات قانونی ناشی از آن منطبق باشد. با توجه به مقررات ماده ۶۱ و اینکه حق دخالت وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی (ماده ۱۹۰) و مطالعه پرونده کیفری توسط وی (ماده ۱۹۱) پیش بینی شده است، مداخله وکیل در مرحله تحت نظر صرفاً محدود به ملاقات با متهم نبوده، و وی می تواند در بازجویی ها شرکت و از حقوق متهم دفاع نماید. از طرفی دیگر ارائه ملاحظات کتبی وکیل پس از پایان ملاقات با متهم، با اطلاع از اتهام و مطالعه پرونده ملازمه دارد. و نمی توان تصور کرد که وکیل با صرف استماع اظهارات متهم که غالباً ناقص و مبهم می باشد قادر باشد ملاحظات خود را که لزوماً در چارچوب صیانت و دفاع از حقوق قانونی متهم می باشد ارائه نماید. آن چه در ماده ۴۸ موضوعیت دارد حضور «وکیل مدافع» و ملاقات وی با شخص تحت

نظر است نه حضور و ملاقات « وکیل متهم ». (خالقی، ۱۳۹۵: ۷۶) پس وکیلی که صرفاً برای ملاقات متهم تحت نظر فراخوانده می‌شود ضرورتاً لازم نیست که وکیل متهم باشد، بنابر این، صرف اعلام شفاهی متهم برای معرفی شخصی به عنوان وکیل، با احراز اینکه وی وکیل رسمی دادگستری است کافی به نظر می‌رسد و ضرورتی برای رعایت سایر تشریفات وجود ندارد. (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۹۳)

عبارت «ملاقات» در این ماده به معنی دیدار نیست، چرا که برای صرف دیدار اثر قانونی مترتب نیست. از سویی دیگر استماع اظهارات متهم، بخش کوچکی از اطلاعات پرونده را تشکیل می‌دهد. بنابر این مفهوم ملاقات، مشتمل بر گفتگو با متهم و آموزش حقوق وی به صورت توأم می‌باشد.

۳ - ۲ . مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی

ضرورت برخورداری متهم از مساعدت وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی بدان معناست که متهم در برابر مقام تعقیب که دارای قدرت، امکانات و اطلاعات حقوقی بوده و در صورت نبود وکیل تنها می‌ماند و دادستان نسبت به متهم در وضعیت اساسی نابرابری قرار می‌گیرد و در چنین شرایطی لازم است که وکیل به معنای واقعی بتواند به صورت آزادانه از موکل خود در برابر دادستان دفاع نماید. (جعفری همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۱) حق بهره‌مندی از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی هم چنین یکی از مهم‌ترین ابزارها و شرایط فنی بوده که تضمین آن در جهت متوازن کردن طرف‌های دعوا ضروری است. برخورداری طرفین دعوی کیفری از وکیل، نتیجه مستقیم اصل برابری سلاح‌ها بوده، که این اصل در حقوق برخی کشورها نخست با ایجاد توازن در حق بهره‌مندی طرف‌های درگیر از وکیل مدافع تحقق پیدا کرده است. (توسلی نائینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۸)

در ادامه به موارد قانونی که مداخله وکیل در دفاع از حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی را تقویت نموده اشاره می‌شود:

۳ - ۲ - ۱ . حضور وکیل بدون محدودیت

در فرایند تقنینی بهره‌مندی متهم از وکیل مدافع در ادوار گذشته ایران، هماهنگی قابل توجهی با اسناد بین‌المللی صورت نگرفته بود. قانون‌گذار با اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۳۵ و افزودن یک تبصره به ماده ۱۱۲ ضمن پذیرش حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی با قید منع مداخله او در امر تحقیق، ارائه مطالب توسط وی پس از خاتمه بازجویی را پیش‌بینی نموده بود. در ق.آ.د دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ اقدامی در جهت رفع محدودیت‌های حضور وکیل به عمل نیامد. در تبصره ماده ۱۲۸ با افزایش قیود و محدودیت‌ها، اصل برخورداری متهم از وکیل مخدوش، و تا حدود زیادی این حق منتفی

گردید.

ق.آ.د.ک ۹۲، تمامی محدودیت های حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی را برطرف کرده است. هر چند در برخی از مواد قانون، کما کان محدودیت هایی برای وکیل از قبیل مقررات ماده ۱۹۱ مبنی بر عدم دسترسی وی به پرونده های علیه امنیت و یا مفاد تبصره ماده ۴۸ وجود دارد، ولی حضور وکیل در این مرحله مطلقاً فاقد ممنوعیت است. ماده ۳۴۶ ق.آ.د.ک ۹۲ در این زمینه چنین مقرر می دارد: «در تمام امور کیفری، طرفین می توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند ...»

ماده ۱۹۰ این قانون در راستای تحقق اصل بهره مندی متهم از وکیل، و حضور بدون قید وکیل مدافع، مقرر می دارد: «متهم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود ...»

البته باید توجه داشت که هر چند وکیل متهم می تواند به همراه او در جلسه بازجویی حضور داشته باشد، اما مداخله وکیل محدود به حضور در جلسه بازجویی نبوده و به دلالت کلمات «مرحله تحقیقات مقدماتی» در صدر ماده فوق، وکیل متهم از زمان ارجاع پرونده به بازپرس و شروع به تحقیقات مقدماتی، حق دفاع از متهم در برابر اتهام را دارد. در عین حال، کلمات «یک نفر» قبل از وکیل دادگستری در این ماده نیز در مقام بیان اصل این حق بوده، نه حصر عدد وکلای متهم. (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۷۶) از طرفی دیگر، با توجه به تبصره ماده ۴۸ مبنی بر اینکه متهم می تواند وکیل یا وکلای خود را انتخاب نماید و با توجه به این که قوانین دادرسی کیفری و به ویژه مقررات مربوط به دادرسی عادلانه و منصفانه تابع تفسیر موسع می باشند و نیز محدودیت در اجرای حقوق دادرسی منصفانه نیازمند نص صریح قانونی است، در نتیجه متهم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی بیش از یک وکیل را همراه خود داشته باشد. (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۶: ۲۱۸) در قانون جدید، محدودیت های سابق از جمله منع ورود وکیل در پرونده هایی که جنبه محرمانه دارد یا به تشخیص قاضی موجب فساد می شوند و هم چنین جرایم علیه امنیت (به استثناء محدودیت مقرر در تبصره ماده ۴۸) به طور کلی حذف، و متهم می تواند به شکل مطلق در تحقیقات مقدماتی نزد بازپرس، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۲۱) بنابر این در راستای تحقق مقررات میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، می توان نتیجه گرفت که قضات دادسرا و محاکم مکلف به پذیرش وکیل مدافع در کلیه اتهامات هستند. (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۴۳)

۳ - ۲ - ۲ . حق مطالعه و دسترسی به پرونده

ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ برای اولین بار و به جهت رعایت تساوی بین طرف‌های پرونده کیفری، حق دسترسی و مطالعه پرونده توسط وکیل را به رسمیت شناخته است. به موجب ماده ۱۹۱ این قانون: «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند. این قرار، به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند.»

حق دسترسی وکیل در این ماده به صراحت اعلام نشده، ولی با توجه به اینکه در این ماده «قرار عدم دسترسی به پرونده» توسط متهم و وکیل او قابل اعتراض شناخته شده، پس به دلالت التزامی معلوم می‌شود که متهم و وکیل او از حق دسترسی به پرونده برخوردارند که بازپرس می‌تواند با صدور یک قرار، آن را ممنوع نماید. (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۱۲) حق دسترسی به پرونده و مطالعه آن توسط وکیل، به عنوان یک اصل پذیرفته شده قانونی در تمامی موضوعات کیفری به استثناء سه مورد مجازمی باشد. استثنائات مورد نظر عبارتند از: ۱ - چنانچه اتهام مطرح مربوط به منافی عفت باشد. موضوع تبصره ۳ ماده ۱۹۰، ۲ - در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، ۳ - در سایر پرونده‌ها چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند.

قرار عدم دسترسی، و ممنوعیت مربوطه، فقط مختص مرحله تحقیقات مقدماتی بوده و با ارسال پرونده به دادگاه مرتفع خواهد شد. قرار عدم دسترسی به پرونده، لزوماً تا پایان تحقیقات مقدماتی باقی نمی‌ماند. چنانچه بازپرس، دلیلی را که موجب عدم دسترسی به پرونده بودند را منتفی بداند می‌تواند در حین تحقیقات مقدماتی، قرار مربوطه را لغو کند. به موجب ماده ۱۱۴ ق.آ.د.ک فرانسه، پرونده مورد رسیدگی حداکثر چهار روز کاری پیش از هر بازجویی از شخص تحت بررسی (متهم) یا هر شهادت مدعی خصوصی، در اختیار وکلا قرار می‌گیرد. (تدین، ۱۳۹۱: ۱۱۹) در حقوق فرانسه، وکلای اصحاب دعوا امکان دسترسی بدون محدودیت به کل پرونده و همه اوراق آن را دارند. و نمی‌توان آن‌ها را از مطالعه برخی از اوراق پرونده منع کرد. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۲۵)

۳ - ۲ - ۳ . تکلیف تفهیم حق داشتن وکیل به متهم و ضمانت اجرای آن

به موجب ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. (این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود.)

شود.»

تفهم حق داشتن وکیل به متهم توسط بازپرس پیش از شروع تحقیق، از نوآوری های قابل توجه قانون آیین دادرسی کیفری، در جهت انطباق فرایند تحقیقات مقدماتی با موازین بین المللی و برخی کشورها مانند فرانسه به شمار می رود. این ماده علی رغم دارا بودن نواقص و ابهامات، گامی رو به جلو به منظور نیل به دادرسی عادلانه و منصفانه و تحقق اوصاف و ویژگی های نظام ترافعی و هم چنین تقویت حضور وکیل محسوب می شود.

همراه داشتن وکیل، از اختیارات متهم بوده و به استثنای تکلیف مندرج در تبصره ۲ ماده ۱۹۰، الزام قانونی به حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی وجود ندارد. ولی تفهم این حق به متهم و عدم ممانعت از حضور وکیل الزامی است. ماده، در انتظار به حضور وکیل قبل از بازجویی و پس از تفهم این حق ساکت است. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به منظور تضمین حقوق متهم، در بند ۳ ماده ۱۴ خود مقرر نموده: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود، با تساوی کامل لاقبل حق تضمین های ذیل را خواهد داشت: . . . ب) وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد.» (باقر پور، ۱۳۸۴: ۱۰۸) در قوانین کشورهای نظیر سوریه، آلمان و بلژیک، قاضی تحقیق مکلف گردیده که قبل از شروع به تحقیق، متهم را از حق داشتن وکیل مطلع نموده و اعلام این مطلب را در صورت جلسه بازپرسی درج کند، و فقط در صورت انصراف صریح متهم از استفاده از چنین حقی است که بازپرس می تواند شروع به تحقیق کند. (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۵۵)

سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهم این حق به متهم به موجب تبصره ۱ ماده ۱۹۰ به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است. این تبصره در اصلاحات مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۴ تغییر کرد. تبصره ۱ سابق مصوب سال ۹۲ چنین مقرر می داشت: «سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهم این حق به متهم موجب بی اعتباری تحقیقات می شود.» لازم به یادآوری است که سلب همراه داشتن وکیل کماکان موجب بی اعتباری حکم صادره می باشد.

۳ - ۲ - ۴. الزام به تعیین وکیل تسخیری

به موجب تبصره ۲ ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک: «در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنان چه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می کند.»

یکی دیگر از اقدامات مناسب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پیش بینی انتخاب وکیل تسخیری برای نخستین بار در مرحله پیشادادرسی است. این اقدام از این جهت اهمیت دارد که متهمان جرم های مهم بتوانند از همان مراحل اولیه از حق دسترسی به وکیل برخوردار باشند.)

آقای جنت مکان، ۱۳۹۶: ۲۱۷)

الزام به تعیین وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی، در نظام دادرسی کیفری ایران سابقه تقنینی نداشته، و تا پیش از این محدود به مرحله دادرسی و بر عهده دادگاه بوده است. ضابطه تعیین وکیل تسخیری، چه در مرحله تحقیقات مقدماتی و چه در مرحله دادرسی دادگاه، منحصر به جرایم مهم بوده، و در مورد سایر جرایم، تکلیفی از این جهت بر عهده مراجع قضایی تفویض نشده است.

تعیین وکیل تسخیری در دادگاه کیفری یک، در جرایم موضوع بند های (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک به موجب ماده ۳۴۸ الزامی است. این که مطابق این تبصره، بازپرس تا زمان حضور و مداخله وکیل، تحقیقات را می بایست متوقف، و یا تکلیفی به توقف تحقیق ندارد، چون تحقیق از متهم در جرایم مستلزم مجازات سلب حیات یا حبس ابد، با مداخله و حضور وکیل ملازمه قانونی دارد، بنابر این، ضوابط و مقرراتی که حضور وکیل تسخیری در دادگاه کیفری یک را الزامی، و بدون تعیین و حضور وکیل، امکان محاکمه متهم قانوناً وجود ندارد، عیناً در مورد وکالت تسخیری در مرحله تحقیقات جاری و معتبر است. و قانون گذار تفکیکی بین وکالت تسخیری در نزد بازپرس و در دادگاه فرض نکرده است. ذات و ماهیت حضور وکیل تسخیری در دادگاه، که با مداخله وی قبل از محاکمه ملازمه دارد، عیناً در نزد بازپرس معتبر و مجری می باشد.

۴. الزامات اخلاقی حاکم بر مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی

اخلاق و ارتباط آن با حقوق، اصلی ترین و شایع ترین موضوعی است که در فلسفه حقوق مورد بررسی قرار می گیرد. پس از شناخت نظریه های اخلاقی، و نوع تعامل موجود میان اخلاق و حقوق، بایستی حوزه هایی از علم حقوق را که متأثر از رویکردهای اخلاقی هستند مورد شناسایی قرار داد. (برهانی، ۱۳۸۸: ۱) تعامل و تأثیر اخلاق بر حقوق کیفری ماهوی، از گستردگی فراوانی برخوردار بوده، و نتایج مطالعاتی فراوانی را به خود اختصاص داده است. با این حال تأثیر الزامات اخلاقی بر حقوق کیفری شکلی، بر کسی پوشیده نیست. بسیاری از الزامات و قواعد کنونی دادرسی کیفری، منشأ اخلاقی دارند. پای بندی انسان ها به حفظ حقوق دفاعی طرفین دعوای کیفری و صیانت از کرامت و حیثیت افراد، ممانعت از اتهام سازی و سایر اصول دادرسی کیفری که ریشه در اخلاق دارند، مبنای تدوین ضوابط قانونی شده اند. هر چند که الزامات اخلاقی، ذاتاً، فاقد ضمانت اجرای قانونی می باشند، ولی بسیاری از آن ها در چارچوب قانونی استوار شده اند. قواعد اخلاقی مذکور، چون به مرور، با نظم عمومی مرتبط شدند، دارای ضمانت اجرای قانونی هم هستند. مانند شهادت دروغ در دادگاه. (آزمایش، ۱۳۸۶: ۴۶)

اخذ آخرین دفاع از وکیل متهم، تذکر وکیل به بازپرس، حفظ کرامت و حیثیت افراد و

تفکیک مقام تعقیب از تحقیق، به جهت تقویت و سهولت مداخله وکیل، از مهم ترین الزامات اخلاقی مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ به شمار می روند.

۴-۱. اخذ آخرین دفاع از وکیل متهم

قانون آیین دادرسی کیفری، از جهت صیانت و رعایت حقوق و آزادی های فردی و کیفیت تضمین حقوق دفاعی طرفین دعوا قابل ارزیابی می باشد. حق دفاع متهم، از مهم ترین حقوقی است که در قانون، ضوابط آن پیش بینی شده است. حق دفاع متهم، یک حق طبیعی و ناشی از اصول و عناصر انسانی و اخلاقی است. در واقع این حق، از مقدس ترین حقوق انسانی است که موجب تضمین آزادی های فردی است. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۲: ۲۳) اخذ آخرین دفاع، آخرین مرحله تحقیق در دادسرا و آخرین مرحله رسیدگی در دادگاه است. این مرحله شامل تمام دفاعیات متهم است که پس از تکمیل تحقیقات و مراحل مختلف دادرسی برای اخذ براءت یا کم کردن مسئولیت خود به عمل می آورد. (گلدوست جویباری و عبداللهی، ۱۳۸۸: ۲۵۹) از حدیث معروف نبوی: «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» می توان استفاده کرد که مدعی علیه (متهم) سخن پایانی را می گوید. (شاکری و نریمانی کناری، ۱۳۹۲: ۱۰۶) اخذ آخرین دفاع توسط مرجع قضایی الزامی بوده، و محکومیت متهم بدون استفاده وی از این حق، فاقد اعتبار قانونی می باشد. در ماده ۲۶۲ ق.آ.د.ک ۹۲ به عنوان یک اقدام تقنینی جدید، اخذ آخرین دفاع از وکیل متهم پیش بینی شده است. به موجب این ماده: «بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می کند که برای براءت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هر گاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا براءت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است.» تکلیف بازپرس به اخذ آخرین دفاع از متهم به تصریح ماده فوق الذکر، وقتی انجام می شود که بازپرس دلایل وقوع جرم و انتساب آن به متهم را کافی بداند. به عبارت دیگر، اگر بازپرس دلایل انتساب وقوع جرم به متهم را کافی نداند و قصد صدور قرار منع تعقیب داشته باشد، نیازی به احضار و اخذ آخرین دفاع از متهم یا وکیل وی وجود ندارد.

به موجب ماده ۲۶۳ قانون مذکور، در صورت احضار متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع، و عدم حضور آنان، بازپرس بدون استماع آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می نماید. از این ماده معلوم می شود که آخرین دفاع حق متهم است نه تکلیف او، حقی قابل اسقاط. (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۹۹) هم چنین مشخص می گردد که بازپرس نمی تواند متهم را مکلف نماید که شخصا جهت ارائه آخرین دفاع حاضر گردد. حضور وکیل جهت ابراز آخرین دفاع بدون ضرورت حضور متهم، از ابداعات قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ به جهت تقویت مداخله وکیل و ارتقا حق دفاع متهم محسوب می گردد.

۴-۲. تذکر و کیل به بازپرس

گسترش جایگاه و کیل در قانون فقط به صیانت از حقوق متهم محدود نبوده، بلکه قانون گذار در حضور و کیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، نظارت بر عملکرد مقام قضایی را دنبال کرده است. تبصره ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ در این خصوص چنین مقرر می‌دارد: «وکیل متهم می‌تواند در صورت طرح سوالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد.» این تبصره، علاوه بر این که خاستگاه دینی و اخلاقی دارد، حضور فعال و تأثیر گذار و کیل در روند رسیدگی به پرونده توسط بازپرس را برجسته نموده، و تذکر وی به بازپرس در تمامی موارد خلاف قانون، به منظور جلب نظر مقنن در ارتقا کیفیت و سلامت تحقیق پیش بینی شده است. تذکر از نظر اخلاقی، نوعی هشدار در جلوگیری از به خطا رفتن فرد و یا ممانعت از عدم تکرار و یا استمرار خطای ارتكابی است. اما وقتی در قالب قانون گذاری قرار می‌گیرد مانند تذکر در این تبصره، فقط به معنای یادآوری نیست، بلکه در برخی موارد می‌تواند به صورت هشدار بوده و یا بازپرس را در معرض شکایت انتظامی قرار دهد. در ضمن، تذکر وکیل متهم به بازپرس، محدود به جلسه یا زمان خاصی نبوده و می‌تواند ناظر به تخلفات صورت گرفته قبل از دخالت وکیل در آن پرونده هم باشد. (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۱۹) مهم تر آن که، وکیل با بیان دیدگاه‌ها و نقطه نظرات قانونی خود به بازپرس، موجبات اتخاذ تصمیمات صائب تری را فراهم می‌نماید. تذکر وکیل به بازپرس، در اصل می‌تواند از سلامت فرایند رسیدگی صیانت نماید. ضمن این که قانون گذار نوعی نظارت بر عملکرد بازپرس را به وکیل محول نموده است.

۴-۳. حفظ کرامت و حیثیت افراد

توجه به اصول کلی حقوق کیفری، نظیر اصل برائت و حاکمیت آن و همچنین توجه به شأن و کرامت انسان‌ها و حیثیت اشخاص، حرمت و حریم خصوصی آن‌ها، از جمله عوامل و علل اصلی تدوین چارچوب آیین دادرسی کیفری می‌باشد. در واقع اصول مورد نظر، مواردی هستند که باید به عنوان مبانی حاکم در تدوین تمام مواد قانونی رعایت و تحت نظر قرار گیرند. یکی از اصول حاکم بر حقوق کیفری اعم از ماهوی یا شکلی رعایت کرامت انسانی^۱ و حیثیت ذاتی اشخاص و افراد می‌باشد. این اصل در تمامی مراحل دادرسی کیفری باید سرلوحه دست اندکاران عدالت کیفری باشد. (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۶: ۱۶۴) اصل رعایت کرامت انسانی، نقشی ارزنده و قابل توجه را در رعایت حقوق انسانی شهروندان دنیای امروزی ایفا می‌کند. به همین دلیل بررسی ارتباط اصل رعایت کرامت انسانی و اصل رعایت حقوق دفاعی افراد در برابر تصمیمات مقامات قضایی، حائز اهمیت است.

اصل رعایت کرامت انسانی مفهومی است عمیقاً متافیزیکی، اخلاقی و همچنین فلسفی و مذهبی. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که خود، پایه و اساس بسیاری از حقوق و امتیازات و تکالیف انسانی شناخته می‌شود. با توجه به اینکه حقوق متهم و کرامت انسانی یکی از اساسی‌ترین موضوعات و مسایل جامعه جهانی می‌باشد، در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر آن تاکید شده است. متهم نیز یک انسان است و همه انسان‌ها دارای کرامت، ارزش، حیثیت و اعتبار می‌باشند و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند آن را از انسان‌ها سلب یا محدود نماید.

قانون گذار در ماده ۴ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲ در خصوص نحوه اعمال اقدامات سالب آزادی و محدود کننده آن یا ورود به حریم خصوصی افراد، دو ضابطه مهم را در نظر گرفته است، اول اینکه این اقدامات هر چند بر اساس مستندات قانونی با دلایل کافی و به دستور مقام صالح قضایی صورت گیرد، نباید در اعمال آن‌ها کرامت انسانی خدشه دار شود. هر گونه اقدام که موجب تحقیر و توهین به افراد گردد و جنبه پست کردن یا رنج دادن فرد را داشته باشد مخالف کرامت انسانی است. کرامت انسانی صرف نظر از نژاد، جنس، دین و اعتقادات شخص و صرف نظر از اتهامی که به فرد منتسب شده، در خصوص کلیه افراد، فقط به سبب انسان بودن آن‌ها باید رعایت گردد. دوم، این اقدامات نمی‌بایست به حیثیت آنان لطمه ای وارد کند. حیثیت به معنی آبرو، جایگاه و شأن اجتماعی افراد است. تمام افراد بدون استثنا با هر موقعیت و منزلت اجتماعی دارای حیثیت و کرامت هستند و مصادیق و اقدامات این ماده مشمول همه افراد می‌باشد.

عدم رعایت کرامت و حیثیت اشخاص خصوصاً متهم، در فرایند تحقیقات مقدماتی و کشف جرم، به حقوق دفاعی وی لطمه جدی وارد می‌سازد. مکلف نمودن مقامات تعقیب و تحقیق در رعایت کرامت متهم، از جهتی تقویت مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و از جهت دیگر امکان دفاع مناسب و آزاد وکیل را به دنبال دارد.

۴-۴. تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق

مطابق ضوابط و اصول کلی حاکم بر نظام دادرسی کیفری، تصدی هم‌زمان دو مقام تحقیق و تعقیب در یک شخص، اصل بی‌طرفی قاضی را با چالش جدی روبرو می‌کند. به همین جهت در اکثر نظام‌های حقوقی به اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق پای بندی کامل وجود دارد. و نمی‌توان درک حقوقی مناسبی داشت که مقامی که تعقیب متهمان را به عهده دارد خود امر تحقیق را در اختیار داشته باشد. ویژگی ذاتی بازپرس اتخاذ رویه و روش بی‌طرفی بین مقامی که به پیروی از منافع جامعه اقدام به تعقیب می‌نماید و شخصی است که به ادعای دادستان نظم جامعه را مخدوش و در مقام متهم قرار دارد می‌باشد. مقام تحقیق در ایران یا خود به طور هم‌زمان عهده دار تعقیب هم هست (جمع مقام تعقیب و تحقیق در یک نفر) و یا تحت

نظارت و دستور مقام تعقیب قرار دارد. علی‌رغم این که در مقررات قانونی، به بی‌طرفی بازپرس تصریح شده، ولی این ضابطه در مواد تکلیفی دیگر قانون مخدوش شده است. براین اساس تعقیب متهم باید به عهده دادستان به عنوان نماینده جامعه، و تحقیق و اظهار نظر درباره دلایل اتهام متهم بر عهده مقامی به نام بازپرس قرار داشته باشد. (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۸۴) برطبق اصل تفکیک مقاطع مختلف دادرسی کیفری، (کشف، تعقیب، تحقیق، صدور حکم و اجرای آن) به منظور تضمین و حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و جلوگیری از استبداد قضایی و رعایت اصل بی‌طرفی و تحقق دادرسی عادلانه، هریک از این مقاطع، به مقامات قضایی مستقل سپرده شده است. از مهم‌ترین نتایج اصل تفکیک مقاطع مختلف دادرسی این است که یک قاضی نمی‌تواند در یک پرونده دو نقش ایفا کند. دادستان مسئول اقامه دعوی عمومی و مقام تعقیب و بازپرس مقام تحقیق است. بنابراین با توجه به استقلال مقامات قضایی فعالیت‌های آنها باید کاملاً مجزا از هم باشد و در اتخاذ تصمیمات دارای استقلال لازم و کافی باشند. تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق، از آثار مهم رعایت بی‌طرفی مقام قضایی در انجام تحقیقات به شمار می‌رود.

عدم رعایت بی‌طرفی و آثار مستقیم آن یعنی عدم تفکیک مقام تعقیب از تحقیق، روند رسیدگی و دفاع وکیل را تضعیف می‌نماید. به همین مناسبت بوده که قانون‌گذار در مواد ۳ و ۹۳ ق.آ.د.ک ۹۲ به بی‌طرفی مراجع قضایی و بی‌طرفی بازپرس تصریح نموده است. عدم رعایت بی‌طرفی در جریان تحقیقات، مخصوصاً در مواردی که تنها ضمانت اجرای آن اخلاق است، می‌تواند تأثیر بسیاری در حسن جریان رسیدگی و نیل به یک دادرسی عادلانه داشته باشد. (غلامی و موذن زادگان، ۱۳۹۶: ۳۸)

نتیجه‌گیری

از اهداف مهمی که از مفاهیم، ضوابط و الزامات آیین دادرسی کیفری به شمار می‌رود حفظ حقوق جامعه و صیانت از نظم، آرامش و آسایش آن در برابر قانون شکنی و ارتکاب جرایم و هم‌زمان رعایت حقوق متهم در فرایند رسیدگی کیفری است. سالها به جهت تبعیت نظام دادرسی کیفری ایران از نظام تفتیشی، دفاع از حقوق جامعه در اولویت، و حقوق قابل توجهی برای متهم در نظر گرفته نشده بود. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این موازنه هر چند به طور ناقص در حال شکل‌گیری است.

تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی با تقویت مداخله و حضور وکیل ملازمه داشته، و فرد اعلائی تضمین این حقوق به شمار می‌رود. قانون آیین دادرسی کیفری جدید، گام بلندی در رعایت و تضمین حقوق طرف‌های کیفری بالاخص متهم برداشته است. قانون‌گذار ایرانی در گذار از این مرحله از الگوی فرانسوی تبعیت نموده، ولی تمامی

اوصاف و ویژگی های نظام ترافیکی که در نظام فرانسوی تثبیت شده را به کار نبسته، و نواقص و ابهاماتی در نوآوری های قانونی مشاهده می شود.

از طرفی دیگر مکانیسم های تقویت مداخله وکیل در مرحله کشف جرم و مرحله تحقیقات مقدماتی را تعریف ننموده، و از جهت حضور مؤثر وکیل در دفاع از حقوق متهم تحت نظر، و تکلیف و الزام مقام قضایی در عدم تحقیق از متهم تا حضور وکیل، ابهاماتی وجود داشته و تصریح قانونی در این زمینه وجود ندارد. از بارزترین تحولات الزامات قانونی و الزامات اخلاقی در جهت تقویت مداخله وکیل در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ می توان به موارد ذیل اشاره نمود: در الزامات قانونی، وکیل، از اولین برخورد متهم با پلیس در مرحله تحت نظر حق حضور و ملاقات با متهم را دارد. دفاع وکیل منحصر به جلسه بازجویی نبوده، بلکه حضور وی تا پایان مرحله تحقیقات مقدماتی بدون محدودیت تضمین شده است. در جرائمی که مجازات قانونی آن ها سلب حیات یا حبس ابد است، در صورتی که متهم وکیل انتخاب نکرده باشد، بازپرس الزام به تعیین وکیل تسخیری برای متهم داشته، در صورت ادامه تحقیقات بدون حضور وکیل، از موجبات بی اعتباری تحقیقات مقدماتی محسوب می گردد. بازپرس مکلف است حق داشتن وکیل به متهم را تفهیم نماید. سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به موجب تبصره ۱ ماده ۱۹۰ به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است. حق مطالعه و دسترسی به پرونده توسط وکیل به عنوان یک اصل پذیرفته قانونی در تمامی موضوعات کیفری به استثنا موارد سه گانه مجاز می باشد.

و در الزامات اخلاقی، وکیل حق تذکر به بازپرس در صورت طرح سوالات تلقینی و تخلف از اصول قانونی و اخلاقی را دارد. اخذ آخرین دفاع از متهم، به عنوان یک اصل اخلاقی به وکیل هم واگذار شده است. رعایت کرامت و حیثیت متهم در جهت تقویت و سهولت مداخله وکیل تصریح شده است. و بالاخره تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق به عنوان یکی از آثار مستقیم اصل اخلاقی بی طرفی مقام قضایی علی رغم کاستی های موجود، به رسمیت شناخته شده است.

به هر حال، تحولات اخیر را می توان مقدمه ای در رسیدن به تقویت کامل حقوق متهم و مداخله وکیل بر اساس ویژگی های نظام ترافیکی تلقی، و در آینده ای نزدیک این مسیر محقق و تثبیت خواهد شد.

فهرست منابع

۱. آزمایش، سید علی. (۱۳۸۶). «رابطه اخلاق و حقوق کیفری»، ماهنامه قضاوت، شماره ۴۹.
۲. آشوری، محمد. (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری*، تهران، انتشارات سمت، چاپ یازدهم، جلد دوم.
۳. آشوری، محمد. (۱۳۷۶). *عدالت کیفری*. مجموعه مقالات، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
۴. آشوری، محمد و سپهری، روح اله. (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، مجله آموزه های حقوق کیفری، شماره ۶.
۵. آقای جنت مکان، حسین. (۱۳۹۶). *حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه (دادگرانه)*، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، چاپ اول.
۶. اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۳) «نگهداری تحت نظر». علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول).
۷. باقر پور، یوسف علی. (۱۳۸۴). «تضمینات قانونی و اساسی در دادرسی و تحقیقات مقدماتی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه)»، فصلنامه بصیرت، سال دوازدهم، شماره ۳۴.
۸. برهانی، محسن. (۱۳۸۸). «تأثیر نظریه های اخلاقی بر حقوق کیفری (با تأکید بر حقوق ایران)»، رساله دکتری، گرایش حقوق کیفریو جرم شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. تدین، عباس. (۱۳۹۴). *قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه*، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ دوم.
۱۰. توسلی نائینی، منوچهر و خسرو شاهی، قدرت اله و نصراللهی، زهره. (۱۳۹۵). «اصل برابری سلاح ها در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین المللی حقوق بشر»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتادم، شماره ۹۴.
۱۱. جعفری، جلال و کرامتی معز، هادی و محمود سلطانی، طاهره. (۱۳۹۶). «تساوی سلاح در فرآیند عدالت کیفری ایران و کامن لا با نگرشی به اسناد بین المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق، شماره پانزدهم.
۱۲. حیدری، الهام. (۱۳۹۴). «حقوق دفاعی متهم در دوران تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان»، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۷۱.
۱۳. خالقی، علی. (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ بیست و هفتم، جلد اول.

۱۴. خالقی، علی. (۱۳۹۵). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ ششم.
۱۵. رستمی‌غازانی، امید. (۱۳۹۲). «حق برخورداری از وکیل در محاکمات کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۳.
۱۶. ساقیان، محمد مهدی. (۱۳۹۳). «تحولات حق متهم بر داشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱.
۱۷. ساقیان، محمد مهدی. (۱۳۹۳). «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی مصوب ۹۲»، مجله پژوهش‌های حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم.
۱۸. شاکری، ابوالحسن و نریمانی‌کناری، یاسر. (۱۳۹۲). «اخذ آخرین دفاع از متهم در حقوق ایران»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره پنجم، شماره دوم.
۱۹. صابر، محمود. (۱۳۸۸). «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۶۳.
۲۰. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۷۲). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲۱. طهماسبی، جواد. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر میزان، چاپ اول، جلد دوم.
۲۲. غلامی، نبی‌اله و موذن زادگان، حسنعلی. (۱۳۹۶). «جایگاه الزامات اخلاقی در فرایند تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ایران»، فصلنامه اخلاق زیستی، شماره ۲۵.
۲۳. کرامت، قاسم و حبیب‌زاده، محمد جعفر. (۱۳۹۱). «الزامات نظام قضایی در زمینه حقوق و آزادی‌های متهمان در مرحله دادرسی»، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال اول، شماره ۳.
۲۴. کوشکی، غلامحسین و سهیل مقدم، سحر. (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و آمریکا»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۴.
۲۵. گلدوست جویباری، رجب و عبداللهی، افشین. (۱۳۸۸). «اخذ آخرین دفاع از متهم در حقوق کیفری ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰.
۲۶. نیازپور، امیر حسین. (۱۳۸۶). «حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری، جلوه‌ای از حقوق شهروندی»، مجله حقوق دادگستری، شماره ۵۸.
۲۷. یوسفی، ایمان. (۱۳۹۰). «بررسی تمایل جهانی به حذف بازپرس»، مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، شماره دوم.